

مسئولیت شرکای شرکت تضامنی در قانون تجارت و لایحه اصلاحی آن

حبيب طالب احمدی^۱

چکیده

شرکت تضامنی از شرکت‌های اشخاص است که اعتبار آن به اعتبار شرکای آن بستگی دارد. اگر طلبکاران این شرکت به دلیل کافی نبودن اموال آن، موفق به استیفای مطالبات خود از شرکت نشوند، حق رجوع به هر یک از شرکا را به طور انفرادی و یا مراجعه به تمام ایشان را به نحو تضامن خواهند داشت. عدم تکافوی دارایی شرکت جهت پرداخت دیون، پس از توقف و انجام مراحل تصفیه معلوم می‌شود. نظر به این که طلبکاران شرکت تا پایان تصفیه نمی‌توانند به شرکا رجوع کنند و نیز ورشکستگی شرکت با ورشکستگی شرکا ملازمه ندارد و با توجه به این که، صدور حکم ورشکستگی شرکا، ضمن حکم ورشکستگی شرکت به دلایل گوناگون ممکن نیست و هم‌چنین طبق قانون تجارت مهر و موم اموال شرکا بابت دیون شرکت، ممنوع است، شرکای ضامن، فرصت کافی دارند تا دارایی خود را به شیوه‌های گوناگون از دسترس طلبکاران شرکت خارج کنند. این وضعیت در لایحه «تجارت» که هنوز به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی نرسیده است، با اندک تفاوت‌هایی دیده می‌شود. هر چند مقررات این لایحه کامل نیست، اما نسبت به قانون تجارت، حقوق طلبکاران شرکت تضامنی را بهتر حفظ می‌کند.

واژگان کلیدی:

شرکت تجاری، شرکت تضامنی، مسئولیت تضامنی، لایحه تجارت.

۱. دکتری حقوق خصوصی، استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز.

درآمد

از علل تمایل اشخاص به شراکت در فعالیتهای بازرگانی، تأمین سرمایه‌ی کافی، افزایش بهره‌وری، کاهش مسئولیت و جمع تخصص‌های گوناگون است. در حقوق تجارت فرانسه، شرکای تجاری ملزم به تشکیل شرکت بازرگانی به یکی از شکل‌های مندرج در قانون می‌باشند؛ قالب‌های مزبور به منزله‌ی تن‌پوشی برای شرکت بازرگانی شناخته می‌شوند (Ripert, 1993.T.2: 540). در حقوق تجارت ایران نیز که برگرفته از حقوق فرانسه است، مشارکت در امر بازرگانی، در قالب یکی از هفت نوع شرکت موضوع ماده‌ی ۲۰ قانون تجارت^۱ پذیرفته شده است.

در ماده‌ی ۷۷۴ لایحه‌ی تجارت،^۲ این تعداد از هفت نوع به چهار شکل کاهش می‌یابد. در این ماده، شرکت‌های نسبی، مختلط سهامی و مختلط غیرسهامی، از مقررات بازرگانی حذف شده و تنها شرکت اشخاص با عنوان «شرکت تضامنی» باقی می‌ماند. با این وصف اشخاص به منظور فعالیت بازرگانی مشترک، گریزی از انتخاب یکی از شرکت‌های مذکور نخواهند داشت؛ زیرا بر اساس ماده‌ی ۲۲۰ قانون تجارت «هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجاری، خود را به صورت یکی از شرکت‌های مذکور در این قانون درنیاورده و مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل ننماید، شرکت تضامنی محسوب شده، احکام راجع به شرکت‌های تضامنی در مورد آن اجرا می‌گردد». این تدبیر در ماده‌ی ۴۴۵ لایحه‌ی تجارت با عبارات دیگری تکرار شده است.^۳

صرف نظر از اختلاف‌هایی که در استنباط از ماده‌ی ۲۲۰ قانون تجارت

۱. «شرکت‌های تجاری بر هفت قسم است: ۱- شرکت سهامی ۲- شرکت با مسئولیت محدود ۳- شرکت تضامنی ۴- شرکت مختلط غیرسهامی ۵- شرکت مختلط سهامی ۶- شرکت نسبی ۷- شرکت تعاونی تولید و مصرف».
۲. «شرکت‌های تجاری بر چهار نوع می‌باشند: ۱- شرکت سهامی (عام و خاص) ۲- شرکت با مسئولیت محدود ۳- شرکت تضامنی ۴- شرکت تعاونی».
۳. «شرکت، مادام که به ثبت نرسیده، فاقد شخصیت حقوقی است و انجام هرگونه عمل حقوقی، جز در راستای تشکیل شرکت مجاز نمی‌باشد. در غیر این صورت و نیز در صورتی که اشخاصی به نام شرکت تجاری و شکلی به جز اشکال پذیرفته شده در این قانون به فعالیت بپردازند، در مقابل اشخاص ثالث، دارای مسئولیت نامحدود و تضامنی خواهند بود». در حقوق فرانسه، شرکت از زمان ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌باشد. در ایران، با توجه به مقررات حاکم، نویسندگان حقوق بازرگانی در تعیین زمان به وجود آمدن شخصیت حقوقی شرکت بازرگانی اختلاف نظر دارند؛ در صورت تصویب ماده‌ی ۴۴۵ لایحه‌ی تجارت، اختلاف دیدگاه‌ها از میان رفته و تمام شرکت‌ها از هنگام ثبت، دارای شخصیت حقوقی خواهند شد (برای آگاهی از اختلاف دیدگاه‌ها در حقوق ایران، بنگرید به: پاسبان، ۱۳۸۶: ۱۸).

وجود دارد،^۱ شاید انگیزه‌ی قانون‌گذار از حاکم نمودن مقررات شرکت تضامنی بر چنین شرکت‌هایی، ایجاد مسؤلیت نامحدود از نوع تضامنی برای شرکای آن باشد. به عبارت دیگر، اگر شرکا از روی اختیار، یکی از شرکت‌های تجاری هفت‌گانه را برای فعالیت بازرگانی انتخاب نکنند، قانون‌گذار مقررات بدترین نوع شرکت را از حیث مسؤلیت شرکا بر ایشان تحمیل می‌کند. با برقرار شدن مسؤلیت تضامنی، هر شریک در برابر طلبکاران بدون محدودیت مسؤول خواهد بود؛ تصریح به نامحدود بودن مسؤلیت در کنار تضامنی بودن آن در لایحه‌ی تجارت، تأکیدی بیش نیست. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که طلبکاران شرکت تا چه اندازه می‌توانند با مراجعه به شرکای ضامن، مطالبات خود را استیفاء نمایند؟ دیگر آن‌که، آیا مقررات کنونی در حفظ حقوق کسانی که به اعتبار شرکای ضامن با شرکت‌های تضامنی طرف معامله می‌شوند، موفق بوده است؟

در این نوشتار پس از معرفی اجمالی شرکت تضامنی در قانون تجارت، مفهوم مسؤلیت تضامنی تبیین و شرایط رجوع طلبکاران به شرکای این نوع شرکت، مطالعه می‌شود. هم‌چنین در پی پاسخ به پرسش‌های مطرح شده، مقررات بازرگانی حاکم در ارتباط با ضمانت شرکای شرکت تضامنی در برابر طلبکاران آن بررسی می‌گردد.

۱. معرفی شرکت تضامنی

مطابق ماده‌ی ۱۱۶ قانون تجارت، شرکت تضامنی شرکتی است که تحت اسم مخصوص برای امور تجاری بین دو یا چند نفر با مسؤلیت تضامنی تشکیل می‌شود. اگر دارایی شرکت برای تأدیه‌ی تمام قروض کافی نباشد، هریک از شرکا مسؤول پرداخت تمام قروض شرکت است و هر قراری خلاف این ترتیب بین شرکا داده شده باشد، در مقابل اشخاص ثالث کان‌لم‌یکن خواهد بود.

این تعریف برگرفته از قانون تجارت فرانسسه می‌باشد که بر اساس آن، شرکت تضامنی^۲ از دو یا چند شخص تاجر یا غیر تاجر به منظور فعالیت‌های بازرگانی تشکیل می‌شود و هر یک از شرکا، شخصاً یا متفقاً مسؤولیت تضامنی دارند. ایشان بازرگانان عضو شرکت می‌باشند (Ripert, 1993. T.2: 667). چنین شرکتی در حقوق سایر

۱. برای آگاهی از اختلاف نظر در استنباط از ماده‌ی ۲۲۰ قانون تجارت، بنگرید به: (کاتوزیان، ۱۳۶۳: ۲۷).
2. Société en nom collectif (Fr)- The General Partnership (En).

کشورهای اروپایی نیز با اندک تفاوت‌هایی دیده می‌شود. برای مثال، در حقوق سوئیس، شرکت تضامنی^۱ تحت یک اسم تجاری، میان دو یا چند شخص حقیقی با مسئولیت نامحدود در برابر طلبکاران شرکت، به منظور تجارت، تولید یا هر فعالیت با مبانی بازرگانی ایجاد می‌شود (Becchio, 1996: 73). در آلمان نیز به دلیل نامحدود بودن مسئولیت شرکای شرکت تضامنی، آن را با این ویژگی می‌نامند^۲ که تحت یک اسم تجاری به منظور فعالیت‌های بازرگانی تشکیل می‌شود (Schuster, 1911: 42). ماده‌ی ۷۷۴ لایحه‌ی تجارت،^۳ تقریباً همان تعریف قانون تجارت را از شرکت تضامنی ارائه داده است. این شرکت از بارزترین شرکت‌های اشخاص شمرده می‌شود؛ زیرا اعتبار شرکت تضامنی، نسبت مستقیم با اعتبار شرکای آن دارد و سرمایه در درجه‌ی اول اهمیت قرار ندارد (خزاعی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۸). به عبارت دیگر، اشخاص ثالث در صورت عدم وصول مطالبات خود از شرکت، حق رجوع به شرکای آن را دارند. بنابر این برخلاف شرکت‌های سرمایه، نظیر شرکت سهامی، کسانی که تصمیم دارند با شرکت تضامنی وارد معامله شوند، وضعیت مالی شرکای آن را مد نظر قرار می‌دهند. در جهت تسهیل شناخت اشخاص ثالث نسبت به وضعیت شرکای شرکت تضامنی، ماده‌ی ۱۱۷ قانون تجارت، علاوه بر عبارت «شرکت تضامنی» که مطمئن‌ترین عبارتی است که در سرلوحه‌ی شرکت‌های بازرگانی وجود دارد (خزاعی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۹۱)، آوردن نام تمامی شرکا را در اسم شرکت الزامی داشته است، مگر آن‌که نوشتن نام تمام شرکا در نام شرکت مقدور نباشد، یا شرکا تمایلی به آن نداشته باشند؛ در این صورت باید حداقل نام یکی از شرکا در اسم شرکت درج و برای اسم دیگر شرکا، عباراتی مانند «و شرکا» یا «و برادران» قید شود. درج اسامی شرکا در اسم شرکت تضامنی، یکی از وجوه تمایز آن از شرکت‌های سرمایه بوده و نام شرکت تضامنی، معرف اعتبار و موقعیت آن است (رسایی‌نیا، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۴۷). البته ماده‌ی ۷۷۵ لایحه‌ی تجارت،^۴ تنها استفاده از عبارت «و شرکا» را پیش‌بینی کرده و نسبت

1. Registered Partnership.

2. Unlimited Partnership.

۳. «شرکت تضامنی شرکتی است که توسط حداقل دو شخص تشکیل می‌شود و در صورتی که دارای‌های شرکت برای پرداخت دیون کافی نباشند، هریک از شرکاء متضامناً مسؤول پرداخت تمامی دیون خواهند بود. هر توافقی میان شرکاء برخلاف حکم این ماده، در مقابل اشخاص ثالث باطل و بی‌اثر است».

۴. «شرکت تضامنی دارای نام مخصوص است که عبارت «شرکت تضامنی» و حداقل نام یکی از شرکاء باید در آن

به قانون تجارت در نام‌گذاری شرکت، اعمال سلیقه‌ی شرکا را محدود نموده است. سیر این تحول را در حقوق تجارت فرانسه نیز می‌توان دید؛ به نظر می‌رسد این امر همچنان بر لایحه‌ی تجارت سایه انداخته است. طبق قانون مصوب ۱۹۲۶ میلادی، نام شرکت تضامنی از اسامی تمام شرکا تشکیل می‌شد، در رویه‌ی عملی و به موجب یک سنت قدیمی، در نام شرکت تضامنی، تنها نام یک شریک نوشته شده و بابت دیگر شرکا از عبارت «و سایر شرکا» استفاده می‌شود. در این شیوه‌ی نام‌گذاری، برای کسانی که با شرکت معامله می‌کردند، هویت دیگر شرکا معلوم نبود؛ امری که مورد ایراد بود. قانون مصوب ژوئیه‌ی ۱۹۸۵ در نام‌گذاری شرکت تضامنی تسهیل قائل شد؛ اکنون کافی است علاوه بر عبارت «شرکت تضامنی»، نام یک یا تعدادی از شرکا در اسم شرکت آورده شود و بابت باقی شرکا از عبارت «و سایر شرکا» استفاده گردد (Ripert, 1993. T.2: 670).

شرکت‌های بازرگانی به طور کلی در دو گروه قرار می‌گیرند. در یک گروه، موضوع فعالیت شرکت، در بازرگان شناخته شدن آن‌ها نقشی ندارد.^۱ شرکت سهامی بر اساس ماده‌ی ۲ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، از آن جمله است. گروه دوم برای این‌که شرکت بازرگانی شناخته شوند، باید به امر بازرگانی بپردازند. شرکت تضامنی از جمله شرکت‌های تجاری است و موضوع آن باید یکی از اعمال مندرج در ماده‌ی ۲ قانون تجارت باشد (اسکینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۷۳)، اما با توجه به تعریف شرکت تضامنی در ماده‌ی ۷۷۴ لایحه‌ی تجارت و نیز ماده‌ی ۴۳۹ لایحه،^۲ شرکت تضامنی به دلیل شکل آن‌ها تجاری محسوب می‌شود. در صورت تصویب این ماده، به مانند حقوق تجارت کنونی فرانسه (Ripert, 1993. T.2:196) تمامی شرکت‌های تجاری به دلیل شکل آن‌ها بازرگان شمرده می‌شوند. به عبارت دیگر، برای این‌که شرکتی بازرگان شناخته شود، ضرورت ندارد موضوع آن یکی از اعمال تجاری باشد. پس اگر شرکت تضامنی به منظور پرداختن به امور کشاورزی نیز تشکیل شود، بازرگان محسوب می‌شود.

ذکر شود. اگر نام شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکا نباشد باید بعد از نام شرکت عبارت «و شرکا» قید شود.
 ۱. «شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می‌شود ولو این‌که موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد».
 ۲. «شرکت‌های تجاری مذکور در ماده ۴۳۸ صرف‌نظر از موضوع فعالیت آن‌ها، تجاری محسوب شده و مشمول این قانون و قواعد حاکم بر حقوق تجارت می‌باشند».

در شرکت‌های تضامنی، طلبکاران شرکت می‌توانند جهت وصول مطالبات خود به هریک از شرکا یا تمام ایشان رجوع کنند؛ از این رو «شرکای ضامن» نامیده می‌شوند. به دلیل ضامن بودن تمام شرکا در شرکت‌های تضامنی، برخی پیشنهاد داده‌اند واژه‌ی «ضامن» از متن ماده‌ی ۱۲۵ قانون تجارت حذف شود (صفی‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۳۸). با این استدلال که قید این واژه می‌تواند سبب تصور وجود شریک عادی یا غیرضامن شود (کاتبی، ۱۳۷۲: ۱۱۸).

برخی معتقدند مسئولیت تضامنی میان شرکت و شرکا برقرار است؛ به عقیده‌ی ایشان از آن‌جا که رجوع طلبکاران شرکت به شرکای ضامن، مشروط به انحلال شرکت و کسر دارایی آن است، مسئولیت شرکا نوعی مسئولیت تضامنی ناقص با شرکت است؛ امری که مخالف اصل «تقویت اعتبار» به عنوان یکی از مبانی حقوق تجارت است. به نظر ایشان، مجزا نبودن دارایی شرکت از دارایی شرکا، بر اساس مسئولیت تضامنی شرکا است (راستین، بی‌تا: ۴۶؛ اوصیاء، بی‌تا: ۱۸)، اما طبق تعریف شرکت تضامنی، به نظر می‌رسد مسئولیت تضامنی نسبت به پرداخت دیون شرکت، در میان شرکا وجود دارد، نه میان شرکت و شرکا. این ایراد که موجب کاهش اعتبار شرکت می‌شود، مورد پذیرش است و محور اصلی این نوشتار را تشکیل می‌دهد. بنابراین، اثر ضمانت شرکا از شرکت تضامنی، ضم ذمه‌ی ایشان به ذمه‌ی شرکت نیست و ضامن بودن ایشان در شرکت، به مفهوم وثیقه به کار می‌رود.

ضمان دارای مفاهیم گوناگونی است که «وثیقه‌ی شخصی» از آن جمله است. در این بیان، دین ضامن، جنبه‌ی فرعی و تبعی دارد و طلبکار در صورتی می‌تواند از آن استفاده کند که نتواند طلب را از مدیون اصلی بگیرد. چنین تعبیری از ضمان در حقوق فرانسه دیده می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۲۲۵؛ Ripert, 1993. T.2: 672) که در اقتباس مقررات شرکت تضامنی، وارد حقوق ایران نیز شده است.

۲. اصل تضامن در حقوق تجارت

برخی نویسندگان، آثار مسئولیت تضامنی در شرکت‌های تضامنی را، از مقررات این شرکت و از اصل تضامنی بودن ضمان در حقوق تجارت استنتاج نموده‌اند (اوصیاء، بی‌تا: ۱۸۵). پیش از پرداختن به مفهوم مسئولیت تضامنی شرکا در شرکت

تضامنی، مطالعه پیرامون وجود چنین اصلی، مفید به نظر می‌رسد.

مسئولیت تضامنی، از مهم‌ترین راه‌کارهای تضمین انجام تعهدات یا جبران خسارات به شمار می‌رود. در قانون تجارت ایران، برخلاف قانون مدنی، قانون‌گذار به این نوع مسئولیت اقبال نموده است. این رویکرد قانون‌گذار با هدف ایجاد سطح بالایی امنیت در روابط بازرگانی همراه است. در حقوق بازرگانی بعضی از کشورهای اروپایی مانند فرانسه و آلمان، اصل بودن تضامن پذیرفته شده و در حقوق آلمان، این فرض به حقوق مدنی نیز راه یافته است (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۰۵؛ جنیدی، ۱۳۷۵: ۱۶).

در حقوق تجارت ایران، در پذیرش یا رد این اصل، متن قانونی صریحی وجود ندارد. گروهی از اساتید حقوق، ماده‌ی ۴۰۲ قانون تجارت^۱ را مفهوم اصل مسئولیت تضامنی بین مدیون و ضامن در قلمرو حقوق تجارت دانسته‌اند (اوصیاء، بی‌تا: ۱۸۵؛ کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۲۳۲؛ کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۰۶؛ حسنی، ۱۳۷۸: ۵۹۹) از این ماده چنین برداشت شده است که اگر در قرارداد مخصوص یا در ضمانت‌نامه، رجوع ابتدایی به مدیون پیش‌بینی نشده باشد، طلبکار حق دارد پیش از رجوع به مضمون‌عنه، به ضامن مراجعه نماید. گروهی در این راه چنان پیش رفته‌اند که معتقدند «حقوق بازرگانی با مسئولیت تضامنی موجودیت می‌یابد» (صقری، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

مواد ۴۰۳ و ۴۰۴ همان قانون،^۲ ضمانت را هنگامی تضامنی می‌شناسد که در قرارداد خصوصی به آن تصریح شده، یا قانون چنین مقرر کند. ماده‌ی ۴۰۴ قانون مذکور اصل مسئولیت انفرادی را در دو مورد با استثنا همراه دانسته است؛ یکی از این موارد، ضمانت تضامنی در شرکت تضامنی است (خزاعی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۷).

ماده‌ی ۴۰۲ قانون تجارت باید به نحوی تفسیر شود که با مواد بعدی همان قانون و نیز مقررات عام حقوق مدنی هماهنگ و قابل جمع باشد. به این ترتیب باید بر آن بود که به صرف ضمانت، ذمه‌ی ضامن مشغول می‌شود؛ ضامن حق ارجاع

۱. «ضامن وقتی حق دارد از مضمون‌له تقاضا نماید که بدو به مدیون اصلی رجوع کرده و در صورت عدم وصول طلب به او رجوع نماید که بین طرفین (خواه ضمن قرارداد مخصوص، خواه در خود ضمانت‌نامه) این ترتیب مقرر شده باشد».

۲. ماده‌ی ۴۰۳ قانون تجارت: «در کلیه مواردی که به موجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت تضامنی باشد، طلبکار می‌تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعاً رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آن‌ها و عدم وصول طلب خود، برای تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید»؛ ماده‌ی ۴۰۴ همان قانون: «حکم فوق در موردی نیز جاری است که چند نفر به موجب قرارداد یا قانون متضامناً مسؤول انجام تعهدی باشند».

طلبکار را به مدیون اصلی ندارد، مگر این که به طور صریح التزام خود را به تأدیه، منوط به عدم پرداخت او نماید و یا آن که قانون‌گذار، ضمان را از نوع تضامنی بشمارد. بنابراین، در حقوق تجارت ایران، اصل تضامن خلاف اصل است (فخاری، ۱۳۸۷: ۵۷). در قانون تجارت برای ضمانت در معاملات بازرگانی، مقررات خاصی پیش‌بینی نشده است؛ به نحوی که این موضوع مشمول مقررات حقوق مدنی است. نظر به این که، قانون مدنی ضمان را موجب نقل ذمه‌ی مضمون‌عنه به ذمه‌ی ضامن دانسته و در عمل، چنین ضمانی به ویژه در معاملات بازرگانی، متروک است، در پیشنهاد اصلاحی باید برای ضمان در قلمرو حقوق تجارت، چنان که معمول است، اثر تضامن یا التزام به تأدیه‌ی دین مدیون، به صراحت پیش‌بینی شود تا برای توجیه صحت ضمانت‌های بازرگانی، نیازی به ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی نباشد.

این پیشنهاد در ماده‌ی ۱۲۲^۱ لایحه‌ی تجارت، ذیل باب چهارم مورد توجه قرار گرفته است. ماده‌ی ۱۲۳ همان لایحه^۲ در رویکردی نوین، اثر تضامن را بر ضمانت بازرگانی بار می‌کند. در صورت تصویب این مقررات، باید ضمانت را به دو گونه‌ی مدنی و بازرگانی تقسیم کرد. ضمانت مدنی تابع مقررات حقوق مدنی است که سبب نقل ذمه‌ی مضمون‌عنه به ذمه‌ی ضامن می‌شود، در حالی که ضمانت بازرگانی سبب ضم ذمه‌ی ضامن به ذمه‌ی مضمون‌عنه می‌شود.

۳. تضامن در شرکت تضامنی

چنان که در تعریف شرکت تضامنی یاد شد، شرکای شرکت تضامنی، ضامن پرداخت دیون شرکت می‌باشند. از این رو، طلبکاران شرکت تضامنی در رجوع به هر یک از شرکا مختارند و می‌توانند علیه هر کدام جداگانه اقامه‌ی دعوا کنند؛ ایشان را متوالیاً تحت تعقیب قرار دهند و یا هم‌زمان علیه تمام شرکا اقامه‌ی دعوا نمایند. در صورت پرداخت هر میزان از دین شرکت توسط هر شریک، مسئولیت شرکای دیگر به همان میزان کاهش می‌یابد و طلبکاران بابت باقی مطالبات خود هم‌چنان حق رجوع

۱. «... ضمانت تجارتي تابع احكام اين باب است، مگر اين که در قرارداد به نحو ديگري توافق شده باشد».
 ۲. «ضمانت تجارتي تضامني است. بدین معنی که مضمون‌له می‌تواند هم‌زمان به ضامن و متعهد اصلی رجوع کند یا پس از رجوع به یکی از آن‌ها و عدم انجام تعهد، برای تمام یا بقیه تعهد به دیگری رجوع کند، مگر این که در قرارداد شرط دیگری شده باشد».

به تمام شرکا را دارند (Ripert, 1993. T.2: 672).

طبق ماده‌ی ۱۲۴ قانون تجارت: «مادام که شرکت تضامنی منحل نشده، مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال، طلبکاران شرکت می‌توانند برای وصول مطالبات خود به هریک از شرکاء که بخواهند و یا به تمام آن‌ها رجوع کنند». ماده‌ی ۷۸۲ لایحه‌ی تجارت نیز با تغییر دادن دو واژه‌ی «قروض» و «طلبکاران»، به «دیون» و «بستانکاران»، همانند ماده‌ی ۱۲۴ مذکور است.

به نظر برخی از نویسندگان، صرف انحلال شرکت، برای طلبکاران آن حق رجوع به شرکا را ایجاد می‌کند (کیایی، ۱۳۵۰: ۲۱۵). در این دیدگاه، به محض انحلال شرکت تضامنی، شخصیت حقوقی شرکت از میان می‌رود و دارایی آن وارد دارایی شرکا می‌شود (خزاعی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۰۹)، اما بیان ماده‌ی ۱۲۴ قانون تجارت که چنین مفهومی را به ذهن متبادر می‌کند، دقیق نیست؛ چرا که پرداخت نشدن تمام طلب طلبکاران شرکت به علت کافی نبودن دارایی شرکت پس از انحلال آن، «مقدمه‌ی وجوب» مسؤولیت شرکا است (حسنی، ۱۳۷۸: ۲۷۸ و ۲۹۲)؛ شرکت‌های بازرگانی در دوران تصفیه، هم‌چنان دارای شخصیت حقوقی می‌باشند (خواج‌پیری، ۱۳۷۹: ۳۰). طبق ماده‌ی ۱۲۶ قانون تجارت که با اندک تغییر در واژگان، در ماده‌ی ۷۸۴ لایحه‌ی تجارت تکرار شده است، اگر دارایی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند، طلبکاران شرکت حق دارند بقیه‌ی طلب خود را از تمام یا فرد فرد شرکای ضامن مطالبه کنند. در نتیجه، برای این که طلبکاران شرکت بتوانند به شرکای آن مراجعه کنند: اولاً، شرکت باید منحل شود، ثانیاً، دارایی آن کفاف پرداخت دیونش را ننماید. پس از انحلال شرکت و عدم تکافوی دارایی آن برای پرداخت بدهی‌ها، مسؤولیت شخصی شرکا در برابر طلبکاران ایجاد می‌شود؛ حتی اگر همه یا برخی از ایشان کوچک‌ترین مسؤولیتی در پدید آمدن مشکلات مالی شرکت نداشته باشند. چنین دیدگاهی در حقوق تجارت سایر کشورها نیز دیده می‌شود (Ripert, 1993. T.2: 669; Becchio, 1996: 80).

برخی معتقدند به محض انحلال شرکت تضامنی و شناور شدن اموال آن‌ها در دیونشان، از آن‌جا که دارایی شخصی شرکا به بستانکاران پرداخت نمی‌شود، شرکت فاقد پناهگاه قانونی، به جز در مورد مستثنیات دین خواهد بود (پاسبان،

۱۳۸۶: ۳۸۷) اما باید از این ظاهر دست شست؛ زیرا، پس از انحلال شرکت، طلبکاران تا پایان تصفیه از عدم کفایت دارایی شرکت جهت پرداخت دیون آن، مطمئن نیستند، در حالی که شرکای شرکت از وضعیت مالی آن آگاهند. به این ترتیب، در صورت انحلال شرکت به دلیل ورشکستگی یا هر دلیل دیگر، شرکا این احتمال را می‌دهند که طلبکاران در آینده‌ی نزدیک به آن‌ها رجوع می‌کنند؛ لذا ممکن است در فاصله‌ی زمانی بین انحلال شرکت و تصفیه‌ی دارایی آن، برای فرار از پرداخت دیون شرکت، با ارتکاب اعمالی مانند مخفی کردن اموال، از بین بردن اموال از طریق مواضعه و انجام معاملات صوری یا انتقال اموال به دیگران سعی در خارج نمودن اموال از دسترس طلبکاران داشته باشند. پس باید برای حفظ حقوق طلبکاران چاره‌اندیشی کرد.

۴. راهکارهای حفظ حقوق طلبکاران در مراجعه به شرکا

براساس ماده‌ی ۴۱۳ قانون تجارت، تاجر باید ظرف سه روز از تاریخ توقف، به دادگاه محل اقامت خود مراجعه کند و دادگاه را از توقف در تأدیه‌ی وجوهی که بر عهده‌ی اوست، آگاه نماید. او باید دفاتر و صورت حساب دارایی خود را نیز به همراه داشته باشد. در صورتی که تاجر، یک شرکت بازرگانی باشد، این وظیفه، بر عهده‌ی مدیران آن است؛ اگر شرکت منحل شده باشد، مدیر تصفیه این وظیفه را بر عهده دارد (اسکینی، ۱۳۷۵: ۴۴). طبق ماده‌ی ۴۱۴ همان قانون، در صورت توقف شرکت‌های تضامنی، مختلط یا نسبی، اسامی و محل اقامت کلیه‌ی شرکای ضامن نیز باید ضمیمه‌ی صورت حساب مذکور شود.

وجه اشتراک شرکت‌های تضامنی، مختلط و نسبی، وجود شرکای ضامن در هر سه شرکت است، اگرچه در اقسام شرکت‌های مذکور، حدود مسئولیت شرکا متفاوت است. به نظر می‌رسد تعجیلی که قانون‌گذار در معرفی شرکای ضامن و محل اقامت ایشان به دادگاه دارد، جز به منظور اعمال یک شیوه‌ی کنترلی بر شرکا و دارایی ایشان نیست، هرچند نحوه‌ی اعمال کنترل در مقررات مبهم است.

یکی از شیوه‌های کنترلی که می‌تواند مانع از تضییع حقوق طلبکاران شرکت شود، پیشنهاد توقیف اموال شرکا به میزان دیون شرکت است. به این ترتیب، طلبکاران شرکت با آسودگی و اطمینان از استیفای مطالبات خود، مدت زمان لازم

را جهت انحلال و طی مراحل تصفیه‌ی شرکت، سپری خواهند کرد، اما این کار در وضع کنونی، شدنی نیست؛ زیرا چنانچه گذشت، تا زمان انحلال شرکت و معلوم شدن عدم تکافوی دارایی آن، طلبکاران شرکت حق رجوع به شرکا را ندارند. از این رو، محکمه درخواست تأمین اموال شرکا را به دلیل استقلال دارایی آن‌ها از دارایی شرکت، نمی‌پذیرد. هم‌چنین طبق ماده‌ی ۴۳۹ قانون تجارت،^۱ مهر و موم اموال شخصی شرکای ضامن، جز در صورت صدور حکم ورشکستگی ایشان در ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا به موجب حکم جداگانه جایز نیست.

ممکن است تقاضای صدور حکم ورشکستگی شرکا در ضمن صدور حکم ورشکستگی شرکت پیشنهاد شود تا با اجرای حکم مزبور، اموال شرکا نیز مهر و موم گردد. برخی از حقوق‌دانان، شرکای ضامن را تاجر حکمی دانسته و فرض ورشکستگی آن‌ها را در صورت توقف از تأدیه دیون به مقنن نسبت داده‌اند (صقری، ۱۳۷۶: ۶۵؛ ۲۴۹)؛ اما مطابق ماده‌ی ۱۲۸ قانون تجارت که عیناً در ماده‌ی ۷۸۷ لایحه‌ی تجارت نیز پیش‌بینی شده است، ورشکستگی شرکت، ملازمه‌ی قانونی با ورشکستگی شرکا ندارد؛ زیرا شخصیت حقوقی شرکت، جدای از شخصیت حقوقی شرکا بوده و دارایی آن‌ها مجزا از یکدیگر است (رسایی‌نیا، ۱۳۸۶: ۲۵۱). برابر ماده‌ی ۴۱۲ همان قانون،^۲ برای صدور حکم ورشکستگی هر شخص، از جمله شرکای شرکت‌های بازرگانی، لازم است که شخص، تاجر بوده و هم‌چنین از پرداخت وجوهی که بر عهده‌ی اوست، متوقف باشد.

برخی برای توجیه شرط نخست، با استناد به مواد ۱۲۸ و ۴۳۹ قانون تجارت، معقدند شرکای ضامن به صرف شراکت در شرکت تضامنی، بازرگان شمرده می‌شوند (اوصیاء، بی‌تا: ۱۶۴). تاجر تلقی کردن شرکای ضامن، مبتنی بر حقوق تجارت فرانسه است؛ چنانچه ماده‌ی ۱۰ قانون مصوب بیست و چهارم ژوئیه ۱۹۶۶ درباره‌ی شرکت‌های بازرگانی این کشور مقرر داشته است: «در شرکت‌های تضامنی، شرکا تاجر محسوب می‌شوند و به طور نامحدود و متضامناً ملزم به پرداخت دیون شرکت

۱. «در صورت ورشکستگی شرکت‌های تضامنی مختلط یا نسبی، اموال شخصی شرکای ضامن مهر و موم نخواهد شد، مگر این‌که حکم ورشکستگی آن‌ها نیز در ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا به موجب حکم جداگانه صادر شده باشد».

۲. «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده اوست حاصل می‌شود...».

هستند. طلبکاران شرکت تا هنگامی که شرکت باقی است، حق رجوع به شرکا را ندارند، بلکه پس از توقف شرکت از پرداخت دیون، می‌توانند به ایشان رجوع کنند^۱ (Ripert, 1993. T.2: 667). قائلین به این دیدگاه، عدم تصریح به تاجر بودن شریک در شرکت تضامنی را از باب مسامحه دانسته، اما اذعان نموده‌اند که «تصور، همیشه تصور است» (خزاعی، ۱۳۸۵، ج ۱: ص ۸۵).

به موجب ماده‌ی یک قانون تجارت، تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتي قرار دهد. در حقوق ایران، شرکای شرکت تضامنی، به صرف شراکت مشمول تعریف فوق قرار نمی‌گیرند. نص صریحی نیز بر تاجر بودن ایشان دلالت ندارد. اگر قرار باشد شرکای شرکت تضامنی به صرف شراکت تاجر باشند، این شرکت باید میان اشخاص واجد اهلیت تشکیل شود تا بتوان به استناد ماده‌ی ۴۳۹ قانون تجارت، حکم به ورشکستگی ایشان داد، در حالی که گاه ملاحظه می‌شود که اداره‌ی ثبت شرکت‌ها، شرکت‌های مزبور را به نام پدر و پسر صغیر او به ثبت رسانیده است. افزون بر آن، مواد ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ قانون تجارت، مشارکت محجور را در شرکت تضامنی تجویز می‌کند. بنابراین، اشخاص غیرتاجر و حتی محجور نیز ممکن است شریک تضامنی باشند^۲ (ستوده تهرانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۷۱). هم چنین اگر شرکای ضامن، به صرف شراکت تاجر می‌گردیدند، باید دادگاه ملزم به اعلام ورشکستگی ایشان باشد (ستوده تهرانی، ۱۳۵۰، ج ۴: ۱۱۱).

به نظر می‌رسد مواد ۱۲۸ و ۴۳۹ قانون تجارت، برای رفع شبهه‌ی ملازمه‌ی ورشکستگی شرکا با ورشکستگی شرکت و غیرقابل توقیف بودن اموال شخصی شرکا بابت دیون شرکت، وضع شده و بر تاجر بودن شرکای ضامن دلالت ندارند. اگر قانون‌گذار ایران، شرکای ضامن را بازرگان می‌دانست، همانند قانون تجارت فرانسه در تعریف شرکت تضامنی مندرج در ماده‌ی ۱۱۶ قانون تجارت، به آن تصریح می‌کرد. به همین جهت بعضی اساتید حقوق بازرگانی، با تردید در پذیرش پیشنهاد خود

1. Les associés en nom collectif ont tous la qualité de commerçant et répondent indéfiniment et solidairement des dettes sociales. Les créanciers de la société ne peuvent poursuivre le paiement des dettes sociales contre un associé qu'après avoir vainement mis en demeure la société par acte extrajudiciaire.

۲. برخی اساتید حقوق تجارت، به امکان شراکت اشخاص محجور در شرکت‌های تضامنی انتقاد نموده‌اند بنگرید به: (اسکینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۷۲).

در دادگاه‌ها و به استناد مواد ۱۲۸ و ۴۳۹ قانون تجارت، شرکای ضامن را در حکم بازرگان معرفی می‌کنند (کیایی، ۱۳۵۰، ج ۱: ۲۱۴).

حتی اگر شرکای ضامن را بازرگان بشماریم، شرط دوم برای صدور حکم ورشکستگی ایشان احراز نمی‌شود؛ زیرا تا هنگامی که شرکت منحل نشود و عدم تکافوی دارایی آن جهت پرداخت دیونش احراز نگردد، طلبکاران حق رجوع به شرکا را ندارند. بر این اساس، توقف ایشان که شرط دوم صدور حکم ورشکستگی است، در هنگام صدور حکم ورشکستگی شرکت مسلم نیست تا بتوان ضمن حکم ورشکستگی، شرکت، به ورشکستگی شرکا نیز حکم داد. بنابراین، امکان اجرای ماده‌ی ۴۳۹ قانون تجارت وجود ندارد؛ چنان‌چه رویه‌ی قضایی نیز این دیدگاه را تأیید می‌کند (اوصیاء، بی‌تا: ۱۸۷)؛ مفاد ماده‌ی مزبور از قانون تجارت فرانسه، وارد حقوق ایران شده است (Ripert, 1993. T.2: 669) که با سایر مواد قانونی هم‌خوانی ندارد.

نظر به این که توقیف اموال شخصی شرکای ضامن در صورت توقف شرکت شخص ممکن نیست و صدور حکم ورشکستگی ایشان به جهت توقف شرکت بدون وجه است و پس از انحلال شرکت، تا احراز عدم تکافوی دارایی شرکت، طلبکاران حق مراجعه به شرکا را ندارند، به هنگام معامله با شرکت تضامنی، صرف ضامن بودن شرکا برای اطمینان از وصول مطالبات از ایشان کافی نیست. این خلاء قانونی می‌تواند موجبات سوءاستفاده‌ی شرکای ضامن را فراهم کند؛ در جهت پیشگیری از این امر، پیشنهادهایی ارائه شده است: برخی نویسندگان حقوق تجارت پیشنهاد می‌کنند به هنگام معامله با شرکت، از مدیران آن، پیمان‌نامه و تعهد شخصی اخذ شود، هر چند ایشان از بین شرکای ضامن انتخاب شده باشند (کیایی، ۱۳۵۰: ۲۱۰). بعضی با هدف تقویت اعتبار شرکت و جلوگیری از دادن فرصت به شرکا، حاکم شدن تضامن کامل میان شرکت و شرکا را پیشنهاد داده و معتقدند که باید به طلبکاران شرکت اجازه داد تا به میل خود، شرکت یا هریک از شرکا را تحت تعقیب قرار دهند (اوصیاء، بی‌تا: ۱۸۶). گروهی نیز پیشنهاد می‌کنند به طلبکاران شرکت اجازه داده شود تا در صورت عدم وصول مطالبات مسلم خود از شرکت، حق داشته باشند فوراً به شرکا مراجعه و مطالبات خود را از دارایی آن‌ها وصول کنند (ستوده تهرانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۹۲).

این پیشنهادها، بر تقویت اعتبار شرکت و اطمینان طلبکاران بر استیفای

حقوق خود می‌افزاید، اما پیشنهاد نخست، راهکاری عملی است که اختصاص به شرکت اشخاص ندارد و در هر شرکتی قابل اعمال است. این تدبیر بیش‌تر در مورد شرکت‌های سرمایه استفاده می‌شود. در پیشنهاد دوم، تصور بر آن است که میان شرکت و شرکای آن مسئولیت تضامنی ناقص وجود دارد، حال آن که مسئولیت تضامنی شرکا هنگامی ظاهر می‌شود که شرکت به عنوان شخص حقوقی، منحل شده و دارایی آن کفاف پرداخت دیونش را ننماید (اعظمی‌زنگنه، ۱۳۵۳: ۸۴). افزون بر این در حقوق ایران تقسیم تضامن به دو نوع کامل و ناقص، پذیرفته نیست (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۰۲).

پیشنهاد سوم مبتنی بر حقوق فرانسه است. رویه‌ی قضایی آن کشور در سال ۱۸۵۸ میلادی، محکومیت پیشین شرکت را شرط تعقیب شرکا قرار داده بود، اما اکنون انحلال شرکت، برای تعقیب شرکا لازم نیست. کافی است طلبکار ثابت کند شرکت نمی‌خواهد یا نمی‌تواند طلب او را پردازد، تا بتواند در زمان حیات شرکت، شریک را مورد تعقیب قرار دهد (اوصیاء، بی تا: ۱۸۶؛ اسکینی، ۱۳۷۵: ۱۵۱). این پیشنهاد به دلیل ایجاد مسئولیت سنگین برای شرکا، ممکن است موجب عدم استقبال اشخاص از تشکیل چنین شرکت‌هایی شود.

به منظور حفظ حقوق طلبکاران شرکت، بهتر آن است در عین رعایت استقلال دارایی شرکت از دارایی شرکا، در صورت توقف شرکت از پرداخت وجوهی که بر عهده‌ی اوست، امکان توقیف اموال شخصی شرکا به میزان مطالبات طلبکاران با اخذ خسارت احتمالی از خواهان پیش‌بینی شود، تا ایشان با آسودگی و اطمینان از استیفای حقوق خود علیه شرکت، دعوای ورشکستگی طرح کنند؛ هم‌چنین اطلاع‌ی دادرسی یا طی تشریفات و مراحل تصفیه‌ی دارایی شرکت، به زیان طلبکاران منتهی نشود. در پایان، اگر دارایی شرکت پاسخ‌گوی دیون آن نباشد، طلبکاران شرکت مطالبات خود را از محل اموال توقیفی شرکا استیفا کنند. نیل به این مقصود با مجوز قانونی، در قالب قرار تأمین خواسته قابل توجیه است.

درخواست توقیف اموال شرکای ضامن می‌تواند ضمن تقدیم دادخواست توقف شرکت نیز به عمل آید. اگر پس از صدور قرار مذکور و توقیف اموال شرکا، ظرف مهلت قانونی علیه شرکت طرح دعوا نشود، یا حکم به بی‌حقی خواهان و یا رد

دعوا صادر شود، اموال شخصی شرکا از توقیف خارج شده و زیان وارده بر ایشان از محل خسارت احتمالی تودیع شده نزد صندوق دادگستری جبران می‌شود.

لایحه‌ی تجارت با حذف مفاد ماده‌ی ۴۳۹ قانون تجارت و جای‌گزینی آن با ماده‌ی ۱،۹۴۷ تا حدودی به پیشنهاد بالا نزدیک می‌شود. بخش نخست این ماده، به مانند ماده‌ی ۴۳۹ قانون تجارت است، اما ذیل ماده، بدون آن که صدور حکم ورشکستگی شرکای ضامن را در ضمن حکم ورشکستگی شرکت، مجوز توقیف اموال شرکا معرفی کند، آن را به اختیار دادگاه صادر کننده‌ی حکم ورشکستگی شرکت واگذار می‌کند. پس همچنان که دادگاه ضمن صدور حکم ورشکستگی شرکت، دستور مهر و موم اموال شرکت را می‌دهد،^۲ می‌تواند به توقیف اموال شرکا نیز امر کند. ماهیت این دو، که از مندرجات حکم به شمار می‌آیند، یکسان است. تفاوت در آن است که مورد دوم در ماده‌ی ۹۴۷ لایحه‌ی تجارت، بر خلاف مورد نخست، از مندرجات الزامی حکم نبوده و در اختیار دادگاه می‌باشد. بنابراین، اگر بستانکاران شرکت بتوانند دادگاه را مجاب کنند که شرکا قصد دارند در فاصله‌ی ورشکستگی شرکت تا پایان امر تصفیه؛ که هنگام معلوم شدن کسر دارایی شرکت نسبت به پرداخت دیون آن است، اموال خود را از دسترس طلبکاران خارج کنند، دادگاه دستور توقیف اموال شرکا را صادر می‌کند. البته قصد از امور درونی است و ابزاری برای رسیدن قطعی به آن، جز اخبار قاصد وجود ندارد. با این پیشنهاد، بدون اثبات چنین امر دشواری و به عنوان اقدامی تأمینی، اصل بر قابل توقیف بودن اموال شرکا در ازای پرداخت خسارت احتمالی است.

۱. «در صورت ورشکستگی شرکت‌های تضامنی، اموال شخصی شرکای ضامن به ضمیمه اموال شرکت مهر و موم نمی‌شود، مگر آن که دادگاه تجارتي حکم کرده باشد».

۲. ماده‌ی ۴۳۳ قانون تجارت: «محکمه در حکم ورشکستگی امر به مهر و موم را نیز می‌دهد».

برآمد

شرکت‌های اشخاص، برخلاف شرکت‌های سرمایه، اعتبار خود را از وضعیت مالی شرکای خود کسب می‌کنند. در مقررات این‌گونه شرکت‌ها، طلبکاران باید از وصول مطالبات خود از شرکت و در صورت عدم تکافوی دارایی آن، از محل دارایی شرکای ضامن مطمئن باشند. سازمان شرکت‌های اشخاص در قانون تجارت و نیز مقررات لایحه‌ی تجارت، برای کسانی که با شرکت‌های اشخاص معامله می‌کنند، این اطمینان را به وجود نمی‌آورد؛ زیرا تا هنگامی که شرکت منحل نشود و کسر دارایی آن در پرداخت دیونش معلوم نگردد، طلبکاران حق رجوع به شرکا را نمی‌یابند. از طرفی نظر به این که شرکای ضامن، بازرگان نیستند و توقف شرکت را نمی‌توان به ایشان تسری داد، صدور حکم ورشکستگی آن‌ها ضمن صدور حکم ورشکستگی شرکت، ممکن نیست. توقیف اموال شرکا بابت بدهی شرکت نیز طبق مقررات ممنوع است. هم‌چنین استقلال دارایی شرکا از دارایی شرکت مانع از رجوع به ایشان و تقاضای تأمین خواسته از اموال شرکا است. ضمن این‌که، صدور حکم ورشکستگی شرکا پس از سپری شدن مراحل تصفیه‌ی شرکت، از تصرفات احتمالی شرکا به قصد فرار از ادای دین جلوگیری نمی‌کند. تنها راه فرار از پرداخت دیون نیز انجام معامله به قصد فرار از دین یا انجام معاملات صوری نیست تا بر فرض اثبات، درخواست ابطال آن‌ها را نمود. در نتیجه به نظر می‌رسد شرکای ضامن با سوء استفاده از خلاء قانونی تضمین‌کننده‌ی حقوق طلبکاران، می‌توانند از پرداخت دیون شرکت بگریزند.

برای حل مشکل پیشنهاد می‌شود امکان توقیف اموال هریک از شرکای ضامن، در صورت اثبات عدم پرداخت بدهی از سوی شرکت، در مقررات پیش‌بینی شود تا پس از طی مراحل قانونی انحلال و معلوم شدن کسر دارایی شرکت، طلبکاران حقوق خود را از محل دارایی ایشان استیفا کنند. بدیهی است پس از توقیف اموال شرکا، اگر طلبکاران شرکت ظرف مهلت معقولی علیه شرکت اقدامی دعا نکنند، باید از توقیف اموال رفع اثر شود، یا اجازه داده شود همراه با تقدیم دادخواست علیه شرکت، توقیف اموال شخصی شرکا نیز از دادگاه تقاضا شده و در ازای پرداخت خسارت احتمالی، برای حفظ حقوق طلبکاران قرار قانونی صادر شود.

فهرست منابع

- ۱- اسکینی، ربیعا، «*تأملی در خصوص لایحه‌ی قانون تجارت مصوب تیرماه ۱۳۸۴ هیأت وزیران*»، مجله‌ی پژوهش‌های حقوقی، شماره‌ی ۱۴، ۱۳۸۷.
- ۲- اسکینی، ربیعا، *حقوق تجارت: شرکت‌های تجاری*، جلد نخست، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۵.
- ۳- اسکینی، ربیعا، *حقوق تجارت: ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۵.
- ۴- اعظمی زنگنه، عبدالحمید، *حقوق بازرگانی*، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۵۳.
- ۵- اوصیاء، پرویز، *حقوق تجارت*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- ۶- پاسبان، محمدرضا، *حقوق شرکت‌های تجاری*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۶.
- ۷- جنیدی، لعیا، «*تضامن و آثار و اوصاف آن*»، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره‌ی ۳۵، ۱۳۷۵.
- ۸- حسنی، حسن، *حقوق تجارت*، تهران، میزان، ۱۳۷۸.
- ۹- خزاعی، حسین، *حقوق تجارت*، تهران، جلد نخست، قانون، ۱۳۸۵.
- ۱۰- خواجه‌پیری، عباس، *حقوق تجارت: انحلال و تصفیه شرکت‌های تجاری*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹.
- ۱۱- راستین، منصور، *تلخیص از کتاب حقوق بازرگانی*، قسمت نخست، کوروش، شیراز، بی‌تا.
- ۱۲- رسایی‌نیا، ناصر، *حقوق تجارت*، تهران، جلد نخست، خیام، ۱۳۸۶.
- ۱۳- ستوده‌تهرانی، حسن، *حقوق تجارت*، تهران، جلد نخست، دادگستر، ۱۳۷۴.
- ۱۴- ستوده‌تهرانی، حسن، *حقوق تجارت*، تهران، جلد چهارم، دهخدا، ۱۳۵۰.
- ۱۵- شریفی، سید الهام‌الدین، «*بررسی انتقادی ابواب یکم تا ششم لایحه قانون تجارت*»، مجله‌ی پژوهش‌های حقوقی، شماره‌ی ۱۴، ۱۳۸۷.
- ۱۶- شریفی، سید الهام‌الدین، «*نقد شیوه قانون‌نویسی در لایحه قانون تجارت*»، مجله‌ی پژوهش‌های حقوقی، شماره‌ی ۱۴، ۱۳۸۷.
- ۱۷- شهبازی‌نیا، مرتضی، «*نگاهی به مقررات لایحه قانون تجارت در باب ضمانت*

- مستقل (مواد ۱۳۶ تا ۱۷۱)»، مجله‌ی پژوهش‌های حقوقی، شماره‌ی ۱۴، ۱۳۸۷.
- ۱۸- صفی‌نیا، سید نورالدین، *درآمدی بر قانون شرکت‌های تجاری در ایران*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- ۱۹- صقری، محمد، *حقوق بازرگانی اسناد*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.
- ۲۰- صقری، محمد، *حقوق بازرگانی - ورشکستگی*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶.
- ۲۱- طالب احمدی، حبیب، «نقد و بررسی قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک»، مجله‌ی حقوقی دادگستری، روزنامه‌ی رسمی، تهران، شماره‌ی ۴۶، ۱۳۸۳.
- ۲۲- عالی‌پناه، علی‌رضا، «نقد مقررات ابواب پنجم و هفتم لایحه قانون تجارت»، مجله‌ی پژوهش‌های حقوقی، شماره‌ی ۱۴، ۱۳۸۷.
- ۲۳- فخاری، امیرحسین، *حقوق تجارت*، تهران، مجد، ۱۳۸۷.
- ۲۴- کاتبی، حسین‌قلی، *حقوق تجارت*، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۲.
- ۲۵- کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی: عقود اذنی - وثیقه‌های دین (عقود معین، ۳)*، تهران، بهنشر، ۱۳۶۴.
- ۲۶- کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی (مشارکت‌ها، صلح، عطایا)*، تهران، اقبال، ۱۳۶۳.
- ۲۷- کاتوزیان، ناصر، *نظریه عمومی تعهدات*، تهران، یلدا، ۱۳۷۴.
- ۲۸- کیایی، کریم، *حقوق بازرگانی*، جلد نخست، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۵۰.
- 29- Becchio, Bruno & others, *Swiss Company Law*, The Hague, Kluwer Law International, 1996.
- 30- Ripert, Georges et René, Roblot, *Traité De Droit Commercial*, T.1, Paris, L.G.D.J, 1993.
- 31- Schuster, Alfred Felix, *The German Commercial Code*, London, Stevens and Sons, Limited, 1911. Available at: <<http://www.archive.org/details/germancommercial00germuoft>>